



خلاصه کتاب ثروتمندترین مرد بابل

اگر به دنبال راهی برای افزایش ثروت و رفاه خود هستید، شاید بتوانید آن را در یک جامعه باستانی پیدا کنید. در بررسی خلاصه کتاب «ثروتمندترین مرد بابل»، به آموزه‌های تمدن بابل سرکی می‌کشیم تا بتوانیم به کمک آن، مسیر موفقیت را بیابیم.

با این که این کتاب در سال ۱۹۲۶ منتشر شده و در آن از دروس هزاران سال پیش گفته می‌شود، بسیار می‌توان از مطالب آن برای مدیریت بهتر منابع مالی در زندگی شخصی و رسیدن به ثروت و موفقیت استفاده کرد.

این کتاب را جورج اس کلاسون (George S. Clason) نوشته است و یکی از کتاب‌های مهم و پرتعداد در حوزه مالی شخصی محسوب می‌شود.

فهرست مطالب

[خلاصه کتاب ثروتمندترین مرد بابل](#)

[فهرست مطالب](#)

[اما چرا بابل؟](#)

[هفت راه علاج یک کیف خالی](#)

[۱. شروع به پر کردن کیف‌تان کنید](#)

[۲. مخارج خود را مدیریت کنید \(کمتر از درآمدها خرج کنید\)](#)

[۳. طلای خود را مانند ثروتمندترین مرد بابل چند برابر کنید \(سرمایه گذاری کنید\)](#)

[۴. ثروت خود را از ضرر محافظت کنید \(متنوع‌سازی/ بیمه\)](#)

[۵. سرمایه گذاری سودآوری در حوزه ملک داشته باشید \(صاحب خانه شوید\)](#)

[۶. درآمدی را برای آینده خود تضمین کنید \(برای بازنشستگی برنامه‌ریزی کنید\)](#)

[۷. توان درآمدزایی خود را بالاتر ببرید \(چندین جریان درآمدی ایجاد کنید\)](#)

[چگونه خوش‌شانسی را جذب کنیم؟](#)

[پنج قانون طلا در کتاب ثروتمندترین مرد بابل](#)

[اولین قانون طلا](#)

[دومین قانون طلا](#)

[سومین قانون طلا](#)

[چهارمین قانون طلا](#)

[پنجمین قانون طلا](#)

[۴ قصه از کتاب ثروتمندترین مرد بابل](#)

[۱. وام‌دهنده طلای بابل](#)

[۲. دیوارهای بابل](#)

[۳. تاجر شتر بابل](#)

[۴. خوش‌شانس‌ترین مرد بابل](#)

[کلام پایانی](#)

اما چرا بابل؟

ممکن است به این فکر بیفتید که مگر بابلی‌ها چه ویژگی منحصر به فردی داشتند که هنوز هم باید به

نصیحت‌شان گوش کنیم؟

کلاسون در ابتدای کتابش توضیح می‌دهد که مردم بابل، یکی از ثروتمندترین جوامع را در کل جهان داشتند. دیوارهای تسخیرناپذیری که شهر را محاصره کرده بودند، در بعضی نقاط ۳۲۰ فوت (حدود ۹۷ متر!) ارتفاع داشتند که از شهروندان در برابر دشمنان غارتگر محافظت می‌کردند. اینگونه امکان رشد ثروت در آرامش و رفاه برای بابلی‌ها فراهم شده بود. با این که داستانی که کلاسون در این کتاب نقل می‌کند واقعیت ندارد، درس‌های پشت آن می‌توانند بسیار مفید و تاثیرگذار باشند. اگر سعی کنید آموزه‌های این کتاب را در زندگی خود به کار بگیرید، می‌تواند زندگی‌تان را تغییر دهد.

هفت راه علاج یک کیف خالی

خلاصه کتاب ثروتمندترین مرد بابل را با بخش اصلی آن، یعنی هفت راه علاج برای یک کیف خالی شروع می‌کنیم.

پس از این که برخی مردم شهر بابل از بی‌پولی خود درمانده می‌شوند، به نزد آرکاد می‌روند تا نصیحت‌شان کند. آرکاد، همان ثروتمندترین مرد بابل است که در عنوان کتاب به آن اشاره شده است. او هفت نصیحت اصلی برای آن‌ها دارد:

۱. شروع به پر کردن کیف‌تان کنید

نصیحت شماره یک آرکاد این است: ۱۰ درصد درآمدها را برای خودتان کنار بگذارید. می‌توانید ۹۰ درصد باقی‌مانده آن را برای پرداخت بدهی‌ها، مخارج و قبض‌هایتان صرف کنید. اما حتما لازم است که آن ۱۰ درصد را به طور خاص برای خودتان کنار بگذارید تا آن را پس‌انداز کرده و در ادامه، سرمایه‌گذاری کنید.

منظور از این که ۱۰ درصد را برای «خودتان» کنار بگذارید، این نیست که آن را هر طور دلتان خواست خرج کنید. منظور این است که پول خود را برای آینده پس‌انداز نمایید تا در زمان درست از آن استفاده کنید. ممکن است که این ۱۰ درصد در ابتدا کم به نظر برسد، اما رفته‌رفته، به مبلغ زیادی تبدیل خواهد شد. آرکاد می‌گوید بیشتر افراد حتی متوجه پول‌هایی که از دست می‌دهند هم نمی‌شوند.

۲. مخارج خود را مدیریت کنید (کمتر از درآمدها خرج کنید)

در این قسمت از صرفه‌جویی گفته می‌شود. وقتی که پول زیادی در اختیار داشته باشید، وسوسه می‌شوید که ریخت‌وپاش کنید و چیزهای گران‌قیمت بخرید. در بابل، این چیزها، لباس‌ها و جواهرات جدید بودند.

اما نباید چنین کاری انجام دهید. متناسب با وضعیت درآمدها زندگی کنید و تنها به مخارج ضروری بپردازید.

آرکاد در قسمتی از کتاب به نکته خوبی اشاره می‌کند: «آن چیزی که ما آن را مخارج ضروری می‌نامیم، همیشه رشد می‌کند و خود را به سطح میزان درآمد ما می‌رساند، مگر این که در مقابل آن بایستیم.» به بیان ساده، منظور این است که ما دائماً مخارج خود را افزایش می‌دهیم و آن را به چیزهایی اختصاص می‌دهیم که آن‌ها را ضروری می‌دانیم، اما در واقع آن‌ها صرفاً خواسته ما هستند، نه نیازهایمان.

۳. طلای خود را مانند ثروتمندترین مرد بابل چند برابر کنید (سرمایه گذاری کنید)

حالا که مقداری پول کنار گذاشته‌اید، وقتش است که آن را به کار بیندازید. وقتی پول خود را سرمایه‌گذاری می‌کنید، این پول می‌تواند خود را بازتولید کند و جریانی مداوم از درآمد و ثروت برای شما به ارمغان بیاورد.

آرکاد می‌گوید این‌گونه می‌توانید باعث شوید که ثروت‌تان برای شما کار کند. فلسفه او این است که شما کاری می‌کنید که طلاهایتان بچه‌دار شوند و بعد، آن‌ها هم برای شما کار کنند. به بیان دیگر، از بهره مرکب نهایت استفاده را بکنید تا ثروت‌تان رشد کند.

منظور از بهره مرکب، سودی است که از سود پول ما به دست می‌آید. برای مثال فرض کنید از یک سرمایه‌گذاری مقداری سود به دست می‌آورید. اگر خود این سود را دوباره سرمایه‌گذاری کنید و از آن سود کسب کنید، به این سود دوم که می‌تواند به طور مرتب بیشتر و بیشتر شود، بهره مرکب گفته می‌شود.

در دنیای مدرن ما، این سود می‌تواند از وام دادن یا دریافت بهره از جانب حساب پس‌انداز بانکی باشد.



ثروت خود را سرمایه‌گذاری کنید تا میزان آن افزایش یابد.

۴. ثروت خود را از ضرر محافظت کنید (متنوع‌سازی / بیمه)

قطعاً با ایده‌هایی که به شما وعده یک شبه پولدار شدن را می‌دهند، آشنایی دارید. آرکاد به ما هشدار می‌دهد که هیچ راهی برای کسب ثروت زیاد در یک روز وجود ندارد. در مقابل، رسیدن به چنین ثروتی، نیاز به زمان، تلاش و دانش دارد. وقتی که آماده سرمایه‌گذاری شدید، با مبالغ کم شروع کنید. برای این که بتوانید مبالغ بیشتر را مدیریت کنید و از آن در برابر زیان محافظت کنید، لازم است که از مبالغ کمتر شروع نمایید. آرکاد امنیت اصل سرمایه و حفاظت از آن را بسیار بهتر و مهم‌تر از کسب سریع ثروت می‌داند. او همچنین به این نکته اشاره می‌کند که اگر نیاز فوری به پولتان داشتید، باید بتوانید آن را در زمان معقول و مناسبی پس بگیرید. به بیان دیگر، سرمایه‌گذاری‌های شما باید نقدشونده باشند تا در زمان نیاز بتوانید آن‌ها را به سرعت به پول نقد تبدیل کنید. مهم‌ترین درس این بخش این است که باید پیش از انجام سرمایه‌گذاری، به خوبی درباره آن تحقیق کنید تا از انتخاب درست خود مطمئن شوید. یک شبه پولدار نخواهید شد، اما در نهایت می‌توانید به ثروت دلخواه‌تان برسید.

۵. سرمایه‌گذاری سودآوری در حوزه ملک داشته باشید (صاحب خانه شوید)

همه ما می‌دانیم که خریدن بهتر از اجاره کردن است. علت این مسئله صرفاً رهایی از نگرانی بابت پس گرفتن مبلغ رهن خانه نیست. آرکاد به ما می‌گوید که هر مردی باید سقفی به عنوان سرپناه بالای سر خود داشته باشد؛ زیرا این کار، هزینه‌های زندگی ما را کاهش می‌دهد و این‌گونه، پول بیشتری در دسترس خواهیم داشت. در نتیجه، به جای این که پولمان را خرج اجاره کنیم، می‌توانیم با آن سرمایه‌گذاری کنیم. همانطور که در بخش بعدی خواهید دید، وقتی می‌خواهیم برای درآمدهای آینده‌مان برنامه‌ریزی کنیم، این کار نتیجه مطلوب خود را نشان خواهد داد.

۶. درآمدی را برای آینده خود تضمین کنید (برای بازنشستگی برنامه‌ریزی کنید)

شما همیشه جوان باقی نخواهید ماند و تا ابد قادر به کار کردن نخواهید بود. بنابراین لازم است که برای درآمد خود برنامه‌ای داشته باشید که وقتی زمان بازنشستگی رسید، دچار مشکل نشوید. آرکاد توصیه می‌کند که از قبل برای بازنشستگی خود برنامه‌ریزی کنید تا ثروتتان تضمین شود و از خانواده‌تان محافظت کنید. طبیعتاً داشتن یک حساب پس‌انداز یا حقوق بازنشستگی که مقدار زیادی پول پس‌انداز را شامل شود، بسیار خوب خواهد بود. اما همچنین می‌توانید دارایی‌هایی را که قبلاً خریده‌اید، به اجاره بدهید. در هر صورت، اگر از الان برنامه داشته باشید، خیالتان از زمان پیری آسوده و راحت خواهد بود.

۷. توان درآمدزایی خود را بالاتر ببرید (چندین جریان درآمدی ایجاد کنید)

می‌خواهید درآمد بیشتری داشته باشید؟ ذهنیت و مهارت‌های خود را پرورش دهید. هر چه خرد و دانش بیشتری داشته باشید، می‌توانید درآمد بیشتری را نصیب خود کنید. به عنوان مثال، اگر هیچ چیز درباره املاک نمی‌دانید، چندان کار عاقلانه‌ای نیست که ناگهان به سراغ خرید املاک و مستغلات بروید. ابتدا باید درباره بازار مطالعه کنید و تمام اصطلاحات پیچیده آن را یاد بگیرید. همچنین می‌توانید از یک سرمایه‌گذار باتجربه کمک بگیرید تا شما را به سمت مسیر درست هدایت کند. انجام همه این کارها می‌تواند کمکتان کند که سرمایه‌گذار بهتری شوید و توانایی شما را برای کسب درآمد بالاتر ببرد. هر کار که می‌کنید، با مبلغ و میزان کم شروع کنید. در نهایت می‌توانید هم‌گام با یادگیری خود، به سراغ مبلغ بزرگ‌تر بروید و ظرفیت‌تان را افزایش دهید.

چگونه خوش‌شانسی را جذب کنیم؟

آیا به افرادی که بسیار خوش‌شانس هستند حسودی می‌کنید؟ در این بخش از کتاب ثروتمندترین مرد بابل، کلاسون از شانسی که می‌نویسد. همه مردم فکر می‌کنند که افراد به دلیل خوش‌شانسی در قرعه‌کشی‌ها و بخت‌آزمایی‌ها برنده می‌شوند، اما حقیقت این نیست. مسئله این است که وقتی فرصت برایمان پیش می‌آید بتوانیم حداکثر بهره را از آن ببریم.

افرادی که به صورت غیرمنتظره صاحب پول زیادی می‌شوند، اغلب آن را از دست می‌دهند؛ زیرا نمی‌دانند چگونه باید آن را مدیریت کنند. بعضی هم از خرج کردن آن می‌ترسند و بنابراین تمام پول را ذخیره می‌کنند و به همان صورت نگه می‌دارند.

مردم به یکی از این دو شیوه عمل می‌کنند زیرا آمادگی ثروت را ندارند و به همین علت، در مسائل مالی شخصی خود به مشکل برمی‌خورند. آن‌ها خودشان این پول را به دست نیاورده‌اند؛ بنابراین از عادات لازم برای حفظ این پول برخوردار نیستند.

اینجاست که شانسی وارد بازی می‌شود. با استفاده بی‌درنگ از فرصت‌ها، می‌توانیم خودمان را خوش‌شانس کنیم.

برای بیشتر ما، مهم‌ترین چیزی که سر راهمان قرار می‌گیرد، اهمال‌کاری است. باید آماده باشید که سریع و مصمم عمل کنید.

در کتاب ثروتمندترین مرد بابل، کلاسون مثالی از یک تاجر دام می‌زند. این تاجر فرصت خرید یک گله بزرگ دام را در قیمت پایین داشت. اما او به جای این که به سرعت از فرصت استفاده کند و معامله را انجام دهد، اصرار کرد که تا صبح صبر کند تا بتواند گله را بهتر بررسی کند.

وقتی صبح شد، بقیه تاجران دام هم از این معامله باخبر شدند و پیشنهادات معامله خود را مطرح کردند که باعث شد این فرصت فوق‌العاده از دست تاجر اول برود.

درسی که می‌توان از این داستان گرفت این است که خوش‌شانسی با اهمال‌کاری از دست می‌رود. برای این که شانس خوب را به سوی خود جذب کنیم، باید حداکثر استفاده را از فرصت‌ها بکنیم. این چیزی نیست که صرفاً صبر کنید تا خودش اتفاق بیفتد.

پنج قانون طلا در کتاب ثروتمندترین مرد بابل

بحث مهم دیگری که در کتاب ثروتمندترین مرد بابل مطرح شده است، پنج قانون طلاست. این قوانین را خود آرکاد ابداع کرده و آن‌ها را به پسر خود، نوماسیر، منتقل می‌کند تا با استفاده از آن‌ها، ثابت کند که می‌تواند خودش پول دربیاورد.

اولین قانون طلا

«طلا شادمانه و فزاینده به سوی کسی می‌آید که دست‌کم یک‌دهم درآمدش را برای ایجاد دارایی برای آینده خود و خانواده‌اش کنار می‌گذارد.»

درس این قانون: وقتی بخشی از درآمد خود را پس‌انداز کنید (حتی اگر درآمد کمی داشته باشید)، به شما در افزایش ثروت‌تان کمک می‌کند. تکرار می‌کنیم، نوماسیر از همین روش پس‌انداز ده درصد از درآمدش استفاده کرد و توانست به موفقیت زیادی دست یابد.

دومین قانون طلا

«طلا برای صاحب خردمند خود که آن را در امور سودمند به کار می‌گیرد، کوشنده و خوشنود کار می‌کند و مانند گله‌ای در مزرعه چند برابر می‌شود.»

درس این قانون: وقتی پول خود را سرمایه‌گذاری می‌کنید، چند برابر می‌شود و ثروت‌تان افزایش می‌یابد. در واقع چیزی که باید از این قانون یاد بگیریم، استفاده از خاصیت سود مرکب است. اینطور می‌توان همزمان با کسب سود، اصل سرمایه را هم افزایش داد.

سومین قانون طلا

«طلا به محافظت صاحب محتاط خود که آن را طبق نصیحت افراد دانا و خردمند سرمایه‌گذاری می‌کند، وفادار می‌ماند.»

درس این قانون: از نصیحت و مشاوره افراد متخصص در سرمایه‌گذاری استفاده کنید تا امنیت پول و سرمایه خود را افزایش دهید.

هیچکس از بدو تولد متخصص حوزه مالی و سرمایه‌گذاری نیست. برای رسیدن به این جایگاه، باید زمان کافی صرف کرد، تجربه کسب نمود و سال‌ها در جهت یادگیری تلاش کرد. به همین دلیل است که وقتی می‌خواهید از کسی مشاوره مالی بگیرید، باید کسی را پیدا کنید که بتوان به او اعتماد کرد.



در سرمایه گذاری خود احتیاط کنید تا هر چه با سختی به دست آورده‌اید، به راحتی از دستتان نرود.

چهارمین قانون طلا

«طلا از چنگ کسی که آن را در کاری یا هدفی سرمایه‌گذاری می‌کند که با آن آشنایی ندارد یا توسط افراد ماهر توصیه نشده است، می‌گریزد.»
درس این قانون: نسنجیده وارد سرمایه‌گذاری‌هایی که چیزی از آن‌ها نمی‌دانید نشوید؛ چنین کاری فقط باعث دردسر و زیان شما می‌شود.
بالا تر درباره سرمایه‌گذاری در املاک صحبت کردیم، اما می‌توانید به چیز ساده‌تری مثل ارزهای دیجیتال هم فکر کنید. تنها با چند کلیک می‌توان این نوع پول مجازی را خریداری کرد، اما اگر با بالا و پایین‌های بازار آشنایی نداشته باشید، با پول خود ریسک زیادی خواهید کرد.

پنجمین قانون طلا

«طلا از دست کسی که آن را به زور در راه کسب درآمد ناممکنی به کار می‌گیرد، یا توصیه وسوسه‌برانگیز شایدان را دنبال می‌کند، یا به بی‌تجربگی و تمایلات احساسی خود در سرمایه‌گذاری اعتماد می‌کند، می‌رود.»
درس این قانون: گول ایده‌های کسب سریع ثروت را نخورید. پول و سرمایه‌تان را از دست خواهید داد. افراد بسیاری در دنیا به دنبال کلاهبرداری از شما هستند. ممکن است ندانید که به چه کسی باید اعتماد کرد، اما همه تلاش‌تان را بکنید که نشانه‌های افراد شاید و کلاهبردار را بشناسید و مورد سوء استفاده آن‌ها قرار نگیرید.

4 قصه از کتاب ثروتمندترین مرد بابل

در ادامه خلاصه کتاب ثروتمندترین مرد بابل به ۴ قصه‌ای می‌پردازیم که در انتهای کتاب آمده‌اند. این قصه‌ها، راه علاج‌های کیسه خالی پول و قوانین طلا را در عمل نشان می‌دهند.

۱. وام‌دهنده طلای بابل

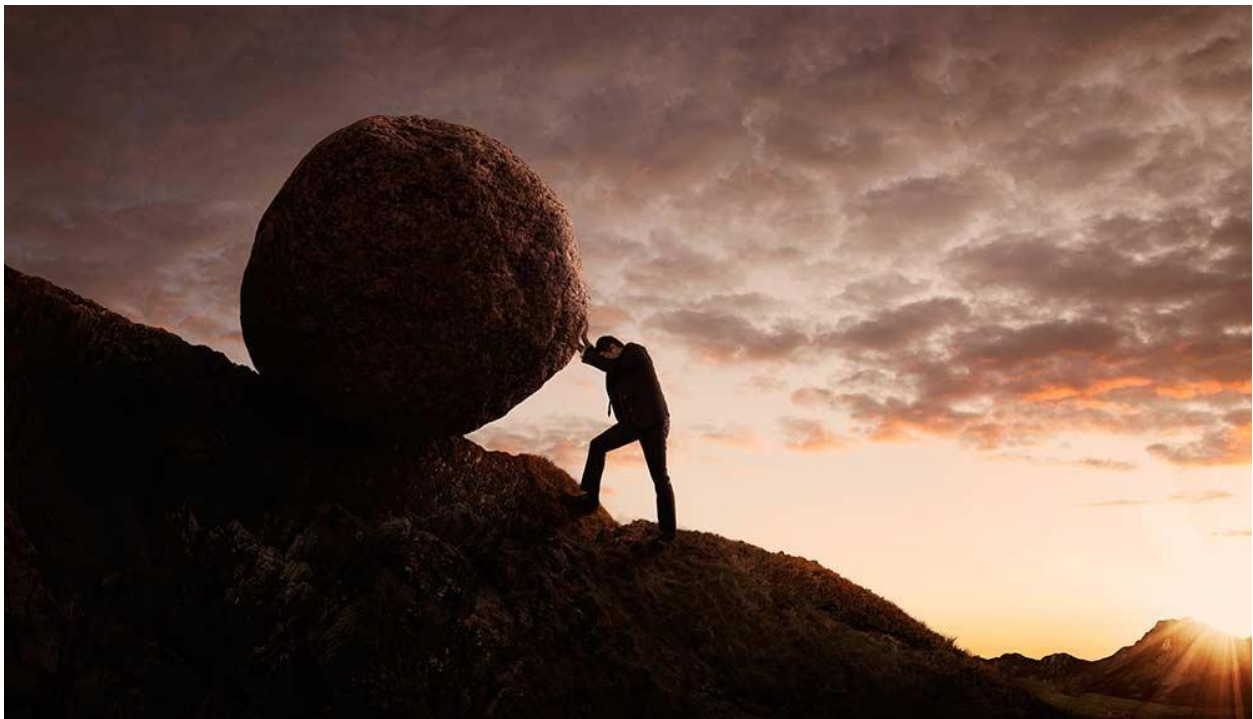
در کتاب ثروتمندترین مرد بابل، مردی به نام ردان، به دلیل کاری که به‌خوبی برای پادشاه انجام داده بود، از او ۵۰ سکه به عنوان دستمزد دریافت کرد. او از ماتون که وام‌دهنده طلا بود مشورت خواست تا تصمیم بگیرد از پول خود چگونه استفاده کند. او از ماتون این را آموخت: وقتی می‌خواهید به کسی وام بدهید، تنها به کسانی بدهید که به آن‌ها اعتماد دارید، در حوزه کاری خود دانش و اطلاعات دارند و از توان بازپرداخت وام شما برخوردارند. اگر امکان‌پذیر بود، حتی باید به اندازه ارزش وام‌تان از وام‌گیرنده وثیقه دریافت کنید. با ترکیب این راه‌ها، می‌توانید از پس گرفتن پولتان اطمینان حاصل کنید. قطعاً همه ما وسوسه می‌شویم که به یکی از اعضای خانواده که قصد راه‌اندازی کسب‌وکار جدیدی را دارد وام بدهیم، اما اگر آن‌ها هیچ‌چیز درباره کسب‌وکار مورد نظر ندانند، به احتمال زیاد شکست می‌خورند و پول شما هم هرگز باز نمی‌گردد. درس اخلاقی: کمی احتیاط از یک پشیمانی بزرگ بهتر است.

۲. دیوارهای بابل

بابل مورد حمله قرار گرفته است و شهروندان ترسیده‌اند. آن‌ها تمام طول روز، مدام از مدافع شهر می‌پرسند که آیا اوضاع درست می‌شود یا خیر. مدافع شهر به آن‌ها اطمینان می‌دهد که دیوارها قوی و مستحکم‌اند و مقاومت خواهند کرد. بابل واقعا از این حمله جان سالم به در می‌برد و کلاسون از این تمثیل استفاده می‌کند تا به ما بگوید که در زندگی‌مان به امنیت مالی احتیاج داریم. هیچ‌وقت نمی‌دانیم که چه زمانی قرار است مورد حمله واقع شویم؛ یعنی برای مثال شغل‌مان را از دست بدهیم یا مجبور به پرداخت بعضی هزینه‌های فوری درمانی شویم. داشتن نوعی صندوق مالی اضطراری برای چنین زمان‌هایی، کمکتان می‌کند که از این مراحل با آسیب کمتری گذر کنید و مجبور به فدا کردن رفاه خود نشوید. درس اخلاقی: اگر از محافظت کافی برخوردار نباشیم، از پس مشکلات برنخواهیم آمد.

۳. تاجر شتر بابل

دباسیر تاجر شتر است و تارکاد به او پول بدهکار است. وقتی تارکاد به سراغ دباسیر می‌رود، به خیلی‌ها بدهی دارد. دباسیر داستان مقروض شدنش را تعریف می‌کند. او به دلیل سبک زندگی ولخرجانه‌اش و سپس مورد غارت دزدان قرار گرفتن، بدهکار شده بود. او در نهایت به عنوان برده فروخته شده بود و به عنوان شتریان تعلیم دیده بود. یکی از همسران اربابش، سیرا، از او می‌پرسد که آیا او روح یک انسان آزاد را دارد یا یک برده. پس از مدتی، دباسیر درمی‌یابد که می‌خواهد بدهی‌هایش را بپردازد؛ بنابراین سیرا به او در آزاد شدنش کمک می‌کند. دباسیر در سفر طولانی خود در صحرا تقریباً از پا درمی‌آید، اما روح خود را باز می‌یابد و به بابل برمی‌گردد. در آنجا سخت کار می‌کند و با بودجه دقیقی که برای خود تعیین کرده است، بدهی‌هایش را پس می‌دهد. سفر دباسیر طولانی و طاقت‌فرساست، اما در آخر، او همه‌چیز را درست می‌کند و ثابت می‌کند که روح یک انسان آزاده را دارد. درس اخلاقی: وقتی عزم جدی وجود داشته باشد، راهی پیدا می‌شود.



اگر عزم جدی برای رسیدن به هدف وجود داشته باشد، می‌توان بر سختی‌ها غلبه کرد.

۴. خوش‌شانس‌ترین مرد بابل

داستان دیگری که در کتاب ثروتمندترین مرد بابل گفته می‌شود، درباره شارو نادا، یک شاهزاده تاجر ثروتمند است. او با نوه شریک مرده‌اش مسافرت می‌کند. جوان به چیزهای گران‌قیمت اشتیاق دارد و از کار سخت فرار می‌کند؛ بنابراین شارو برای او تعریف می‌کند که خودش زمانی برده بود.

برادر شارو کسی را کشته بود و پدرش توان پرداخت دیه او را نداشت؛ بنابراین شارو به عنوان برده فروخته شد. او در نهایت مشغول به کار برای یک شیرینی‌پز شد. او شیرینی‌های اضافه درست می‌کرد و پول آن را با اربابش قسمت می‌کرد. این آخرین منبع درآمدی بود که می‌توانست داشته باشد. او می‌خواست آن قدر سخت کار کند که بتواند دوباره آزادی‌اش را به دست آورد. متاسفانه، ارباب شارو همه پول خود را قمار کرد؛ بنابراین شارو دوباره به بردگی فروخته شد و تقریباً به کار سخت بردگی محکوم شد تا وقتی که توسط دوستش و یک برده خریداری شد. دوست او توانست چنین کاری کند؛ زیرا شارو به او ارزش سخت‌کوشی را آموخته بود. درس اخلاقی: سخت‌کوشی می‌تواند در شرایط رنج و تنگدستی بهترین دوست شما باشد و کمکتان کند که خیلی چیزها را به دست آورید.

کلام پایانی

کتاب ثروتمندترین مرد بابل که در این مطلب خلاصه‌ای از آن گفته شد، دروس بسیاری برای مدیریت منابع مالی شخصی در زندگی دارد. این کتاب، برخلاف بسیاری از کتاب‌های حوزه کسب ثروت و موفقیت، به دروغ رویا فروشی نمی‌کند و به خوانندگان خود وعده یک‌شبه پولدار شدن نمی‌دهد. این کتاب سعی دارد با استفاده از داستانی تمثیلی، انضباط مالی و اصولی که باعث پیشرفت اقتصادی افراد می‌شود را بیاموزد. اگر به خلاصه کتاب ثروتمندترین مرد بابل علاقه داشتید، این کتاب را به طور کامل مطالعه کنید، حتما لذت خواهید برد و از آن چیزهایی زیادی خواهید آموخت.